

بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حکیمه برنده نوروزانی^۱

منصور شیرزادی^۲

حجت فروتن^۳

مریم محبی^۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور یک فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۷۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته تأثیر مثبت معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد.

واژه‌های کلیدی: معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی.

^۱ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
hborandeh@yahoo.com

^۲ سرحسابرس ارشد دیوان محاسبات استان فارس

^۳ سرحسابرس دیوان محاسبات استان فارس

^۴ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، شیراز، ایران

با افزایش منابع در اختیار مدیریت، میزان افراد ذینفع و در ارتباط با شرکت نیز افزایش می‌یابد که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. در نتیجه تضاد منافع، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه‌های نمایندگی شوند. مدیریت که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می‌نماید تا هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد. اما به علت اختیارات مدیریت، نیاز نظارت بر عملکرد مدیریت، قضاوت کارشناسانه حسابرس مستقل را مطرح می‌نماید. جهت استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از کار حسابرسی تعیین می‌گردد (دیانتی دیلمی و بیاتی، ۱۳۹۴). همچنین، مطالعات پیشین نشان می‌دهند که ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی؛ از جمله هزینه‌های نمایندگی می‌تواند از طریق تأثیر بر سه عامل توصیفی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد و حسابرسان برای شرکت‌هایی که احتمال وجود مشکلات نمایندگی در آنها زیاد است حق الزحمه بیشتری به منظور پوشش ریسک در نظر می‌گیرند (نیککن و پتری، ۲۰۰۵ و حبیب و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، در رسوایی‌های مالی اخیر، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان یکی از کانون‌های نگرانی بوده است، به گونه‌ای که استفاده هدفمند از این معاملات و عدم افشای آنها یا کافی نبودن افشا از عوامل سقوط شرکت‌ها می‌باشد. همچنین، فرصت‌طلبانه معاملات با اشخاص وابسته، یکی از عواملی است که به ویژه در کشورهای آسیایی که روابط تجاری در آنها به گونه‌است که انجام معاملات با اشخاص وابسته آسان می‌کند، موجب کاهش ارزش بازار سرمایه می‌شود. اگر چه تمام معاملات با اشخاص وابسته فرصت‌طلبانه نیستند، اما نگرش غالب این است که از عوامل تأثیرگذار بر ریسک می‌باشند (حمیدی و شعری، ۱۳۹۱). نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهند که می‌توان معاملات با اشخاص وابسته را با تئوری نمایندگی که در آن به نقش مدیریت در مصرف منابع به نفع خود اشاره دارد مرتبط دانست. بر این اساس معاملات با اشخاص وابسته که غالباً به نفع مدیران و به زیان سهامداران است، نوعی مصرف منابع در راستای تأمین منافع مدیران محسوب می‌شود. مدیران و یا سایر اشخاص وابسته می‌توانند از نفوذ خود جهت کسب منافع شخصی به واسطه روی آوردن به چنین معاملاتی استفاده کنند و موجب انتقال ثروت از شرکت به سمت خود شوند. همچنین این گونه معاملات می‌توانند قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش دهند و اثرات مخربی بر فرآیند ارزش آفرینی واحد تجاری در بلندمدت داشته باشند (کلبک و می‌هو، ۲۰۰۴؛ چئونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ آهرونی و همکاران، ۲۰۰۹).

با توجه به مطالب پیش گفته شده، بررسی این موضوع که معاملات با اشخاص وابسته از دیدگاه حسابرسان که وظیفه اعتباردهی به صورت‌های مالی را برعهده دارند چه تأثیری در شدت مسئله نمایندگی دارد، نیازی اساسی به نظر می‌رسد. برای دستیابی به این پاسخ، در پژوهش پیش رو تلاش شده است به بررسی ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب استغناى سهامداران، مدیران و سایر کنترل‌کنندگان واحد انتفاعی و ایجاد هزینه برای طرف‌های غیروابسته در این معاملات گردد. این مهم می‌تواند از طریق خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها، خدمات، دریافت وام‌هایی با شرایط مطلوب و با استفاده از دارایی‌های شرکت به عنوان تضمین تسهیلات شخصی انجام گیرد که خود باعث انتقال ثروت خواهد بود. معاملاتی که عمدتاً به صورت مستقیم توسط سهامداران عمده، مدیران و اعضای هیئت مدیره انجام می‌گیرد تأثیر منفی بر ارزش شرکت و نقش قابل توجهی در رسوایی‌هایی دارد که منجر به شکست شرکت‌ها و گروه‌های بزرگی از شرکت‌ها می‌شود. هر اندازه معاملات اشخاص وابسته در شرکت بیشتر باشد امنیت برای سهامداران جزء پایینتر بوده و در نتیجه این امر باعث کاهش ارزش سهام شرکت خواهد شد (نخیلی، مویز، ۲۰۱۱). تحلیل گران مسائل مالی یکی از دلایل بحران‌های مالی در شرکت‌ها را انجام معاملات با اشخاص وابسته و پوشش آن از طریق صورت‌های مالی می‌دانند. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند فرصت مناسبی برای مدیران و اشخاص وابسته برای خروج وجوه نقد از شرکت به وسیله فعالیت‌های زیرزمینی فراهم آورد (دیجانکو و همکاران، ۲۰۰۸). می‌توان معاملات با اشخاص وابسته را با تئوری نمایندگی که در آن به نقش مدیریت در مصرف منابع به نفع خود اشاره دارد مرتبط دانست. نظریه‌ی نمایندگی و مفهوم انتقال ثروت بیان می‌کند که مدیران ممکن است از معاملات اشخاص وابسته به عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع باعث تضییع حقوق سهامداران اقلیت می‌شود. نمونه‌هایی از تأثیر هزینه‌های نمایندگی را می‌توان در شرکت انرون مشاهده نمود که در آن به علت ضعف ساختار کنترلی، مدیران به کسب منافع شخصی از طریق انجام معاملات با اشخاص وابسته می‌پرداختند و به منظور در امان ماندن از عواقب سوء این اقدام، به تحریف صورت‌های مالی مبادرت می‌ورزیدند. چرا که بسیاری از این گونه معاملات در صورت‌های مالی این شرکت افشاء نمی‌شد و همین امر یکی از دلایل ورشکستگی انرون در سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شود (کلبک و می‌هو، ۲۰۰۴). رسوایی‌های اخیر در ارتباط با معاملات اشخاص وابسته یکی از نگرانی‌های عمده‌ی شرکت‌های سهامی است که اغلب ناشی از معاملات تجاری پیچیده‌ی ناهمگون بین شرکت، سرپرستان، مدیران و یا صاحبان اصلی شرکت می‌باشد. ذینفعان و استفاده‌کنندگان در بازار سرمایه و سایر سهامداران شرکت عموماً تضادهای منفعتی بالقوه‌ی این معاملات را بررسی می‌کنند (گوردن و همکاران، ۲۰۰۴). حبیب و همکاران (۲۰۱۵) نیز معتقدند که بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و درنهایت، خسارت سهامداران شرکت‌ها می‌شوند.

در این شرایط، موضوع حسابرسی معاملات با اشخاص وابسته از موارد پیچیده است و ناتوانی حسابرسان در شناسایی این معاملات، یکی از کاستی‌های حسابرسی است. انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۲۰۰۱)، سه دلیل برای مشکل بودن حسابرسی معاملات با اشخاص وابسته ارائه می‌کند. اول آنکه این معاملات به سادگی شناسایی نمی‌شوند، دوم حسابرس برای شناسایی اشخاص وابسته و معاملات با اشخاص وابسته، به مدیر و سهامدار عمده اتکا می‌کند و سوم، این معاملات با کنترل‌های داخلی شرکت، به سادگی قابل رهگیری نیست. از طرفی، حق الزحمه حسابرسی، بر اساس ریسک برآوردی حسابرس از صاحبکار، رقابت در بازار حسابرسی، و مذاکره بین حسابرس و صاحبکار تعیین می‌شود. حسابرس، هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی باید خطر تحریف با اهمیت (شامل ارزیابی صلاحیت و شایستگی مدیریت، جو اخلاقی سازمان، قابلیت‌های حساب‌ها و افشای تحریف با اهمیت) را

شناسایی و برآورد کند. این عوامل بر توانایی حسابرسان در کشف تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی که برای مؤسسه حسابرسی ریسک عمده و شایان توجه محسوب می‌شود، تأثیر می‌گذارد. معمولاً حسابرسان به منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف با اهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌شود. این هزینه افزایش یافته را می‌توان به صاحبکاران تحمیل کرد که البته این موضوع نیز از محدودیت‌های رقابت در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بین حسابرسان و صاحبکاران تأثیر می‌پذیرد. سیمونیک (۱۹۸۰) در این باره می‌گوید با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند (کریشان و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین، حیب و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که میزان تلاش حسابرسان با استفاده از حق‌الزحمه‌ی خدمات حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود و هر چه مسئله نمایندگی بزرگتر باشد، فعالیت بیشتری برای اطمینان در خصوص عدم وجود تقلب و یا اشتباه با اهمیت در صورت‌های مالی لازم است؛ بنابراین هزینه‌های حسابرسی بیشتر خواهد بود. لذا چنین فرض می‌شود که سطح حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیانگر درک حسابرسان از نیاز به کار بیشتر در شرایطی است که مسئله نمایندگی شدیدتر است. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه مستقیمی بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی باشد.

پیشینه پژوهش

حیب و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های چینی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد شرکت‌هایی که مدیران بیش‌اطمینان دارند، برای حسابرسی حق‌الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند. کلبک و می‌هو (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه پرداختند تا ارزیابی کنند که آیا این گونه معاملات یک هشدار برای افزایش ریسک تحریف با اهمیت صورت‌های مالی برای حسابرسان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هست یا خیر؟ پژوهشگران دریافتند که (۱) یک همبستگی مثبت و قوی بین این گونه معاملات و تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه وجود دارد و احتمال تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه زمانی که شرکت‌ها معاملاتی با اشخاص وابسته دارند ۱۵٪ بیشتر از زمانی است که شرکت‌ها معاملاتی با اشخاص وابسته ندارند. (۲) به طور خاص، معاملات با کارمندان و مدیران یک ارتباط مثبت قوی با تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه دارد.

دناهو و نکل (۲۰۱۴) تأثیر وضعیت مالیاتی شرکت‌ها را بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی با در نظر گرفتن تخصص صنعت حسابرسان بررسی کردند و نتیجه گرفتند پیچیدگی‌های وضعیت مالیاتی شرکت و الزامات گزارشگری آن، کاربردهای زیادی برای تصمیم‌های حسابرسان مستقل در پی دارد. بر اساس یافته‌های آنان، در موقعیت‌هایی که وضعیت مالیاتی پریسک (نامطمئن) حاکم است، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌شود.

کوان و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش بر اساس یک نمونه شامل پنجاه شرکت اندونزیایی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام گرفت. آنها فرضیه پژوهش را

بر اساس نظریه نمایندگی و تضاد منافع توسعه دادند. نتایج تجربی کوآن و همکاران نشان داد که شواهد آماری معناداری درباره رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد.

کولبک و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه‌ی بین افشای معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت برای بیش از هزار و پانصد شرکت در ایالات متحده آمریکا پرداختند. نتایج بررسی نشان داد شرکت‌هایی که به معاملات با اشخاص وابسته روی می‌آورند نسبت به شرکت‌هایی که از این قبیل معاملات کمتر استفاده می‌کنند دارای ارزش کمتری می‌باشند. همچنین، نتایج بررسی آنها نشان داد که افشای این گونه معاملات با وجود منافی که برای استفاده‌کنندگان دارد، در نهایت منجر به کاهش ارزش سهام شرکت می‌گردد.

کیم و وو (۲۰۰۸) اثبات کرده‌اند که شرکت‌ها با انجام معاملات با اشخاص وابسته مایل به دستکاری سود از طریق مدیریت ارقام تعهدی اختیاری می‌باشند. آنها همچنین یک رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ضریب واکنش سود را رسیده‌اند که بیانگر ارزیابی نامطلوب بازار از معاملات با اشخاص وابسته‌ها می‌باشد.

هی و همکارانش (۲۰۰۶) در پژوهشی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی را به طور کلی به سه دسته بخش بندی کردند. در این راستا، اندازه شرکت، پیچیدگی، ریسک ذاتی، سودآوری، اهرم مالی، ساختار مالکیت، کنترل داخلی، حاکمیت شرکتی و نوع صنعت، در دسته ویژگی‌های متناسب به مشتری و از عوامل عمده مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی قرار گرفتند. کیفیت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و موقعیت مکانی حسابرس، عوامل مختص به حسابرس و تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی مطرح شدند. همچنین تأخیر در صدور گزارش حسابرسی، فصل اوج کار حسابرسی و خدمات رسانی غیرحسابرسی و نوع گزارشگری، عوامل شغلی مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی شناسایی شدند.

دارابی و داوودخانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه‌ی آماری پژوهش شامل ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد.

کامیابی و همکاران (۱۳۹۳) معاملات با اشخاص وابسته را یکی از عواملی می‌دانند که موجب کاهش ارزش بازار سرمایه می‌شود. آنها معتقدند که اگر چه تمام معاملات با اشخاص وابسته فرصت طلبانه نیستند، اما نگرش غالب این است که از عوامل تأثیرگذار بر ریسک می‌باشند و سرمایه‌گذاران، پیش از انجام سرمایه‌گذاری برای آن اهمیت زیادی قائل می‌شوند. در واقع، عدم اطلاع سهامداران و سرمایه‌گذاران از ماهیت معاملات با اشخاص وابسته باعث بوجود آمدن نوعی عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. به این جهت به بررسی رابطه‌ی معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش بینی سود اقدام نمودند. نتایج پژوهش نشان داد بین معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش بینی سود رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش از متغیر مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت، به منزله ساختار مالکیت مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی، استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی اثر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارند، اما نتایج پژوهش برای تأثیر مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی معنادار نبوده است.

سرلک و اکبری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در واقع، بر اساس مسئله نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از کنترل و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند موجب ازدست رفتن ثروت سهام داران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند.

حمیدی و شعری (۱۳۹۱) به بررسی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته با استفاده از مدل مسکاریلو (۲۰۱۰) پرداختند. آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین میزان این گونه معاملات و متغیرهای سطح تمرکز مالکیت، نسبت مدیران غیرموظف و اهرم مالی رابطه معنادار مورد انتظار وجود دارد. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که فرضیه وجود رفتار فرصت طلبانه در معاملات با اشخاص وابسته رد نمی‌شود و نشانه‌هایی از فرصت طلبانه بودن این معاملات در محیط کسب و کار ایران قابل مشاهده است.

رجبی و خشویی (۱۳۸۷)، تأثیر هزینه‌های نمایندگی را بر حق الزحمه‌ی حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش عنوان شده است که وجود رابطه‌ی نمایندگی منجر به بروز تضادمنافع می‌گردد، که این امر به نوبه‌ی خود منجر به بروز هزینه‌های نمایندگی می‌شود. مدیر جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام به ارائه اطلاعات حسابرسی شده می‌نماید. استفاده از خدمات حسابرسی مستقل، مستلزم پرداخت حق الزحمه‌ی حسابرس است که طبق بررسی‌های به عمل آمده، عوامل توصیفی مؤثر بر حق الزحمه‌ی حسابرس عبارتند از ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد تجاری. از لحاظ نظری هزینه‌های نمایندگی می‌توانند با افزایش ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی موجب افزایش حق الزحمه‌ی حسابرسی شوند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: معاملات با اشخاص وابسته تأثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد.

روش پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی مانند انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی و الگوی داده‌های تابلویی آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های تلفیقی انتخاب شود، کار تمام است اما اگر روش داده‌های تابلویی انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۲).

به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش‌ها پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم‌افزار Excel 2010 و Eviews 8 استفاده شده است. همچنین، سطح اطمینان مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. برای برآورد پارامترهای مدل‌های رگرسیون، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله مهم‌ترین این فروض فرض‌های مربوط به خود همبستگی و عدم ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌های مدل است. به

منظور تشخیص وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها، آزمون دوربین واتسون (DW) استفاده شد. مقدار این آماره برای مدل‌های پژوهش، نشان دهنده نبود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها است (افلاطونی، ۱۳۹۲).

الگوهای پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، الگوهای پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، الگوی (۱) برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است (حیب و همکاران، ۲۰۱۵).
الگوی (۱) مطابق پژوهش حیب و همکاران (۲۰۱۵) جهت آزمون فرضیه اول استفاده شده است.

$$LNAFEE = \beta_0 + \beta_1 RPT + \beta_2 SIZE + \beta_3 ROA + \beta_4 LOSS + \beta_5 QUICK + \varepsilon \quad (1)$$

متغیرهای الگوها در نگاره (۱) تعریف شدند.

نگاره ۱: تعریف متغیرهای الگوهای پژوهش

متغیر مورد بررسی	نماد
حق الزحمه حسابرسی	<i>LNAFEE</i>
معاملات با اشخاص وابسته	<i>RPE</i>
اندازه واحد تجاری	<i>SIZE</i>
بازده دارایی	<i>ROA</i>
زیان دوره مالی	<i>LOSS</i>
نسبت آنی	<i>QUICK</i>

متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش مشتمل بر سه دسته متغیر مستقل، متغیر وابسته و متغیر کنترلی به شرح زیر است:

متغیرهای مستقل

متغیرها و الگوهای پژوهش

متغیر مستقل

معاملات با اشخاص وابسته (Related Party Transaction):

در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. مقدار این معاملات مطابق با پژوهش‌های کوآن و همکاران (۲۰۱۰)، حیب و همکاران (۲۰۱۵) و سرلک و اکبری (۱۳۹۲) از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته (خرید کالاها و خدمات از اشخاص وابسته + فروش کالاها و خدمات به اشخاص وابسته) افشاء شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های مورد بررسی تقسیم بر مجموع دارایی‌های ابتدای دوره شرکت به دست می‌آید.

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی (Audit Fee):

در پژوهش حاضر، متغیر وابسته حق الزحمه حسابرسی می‌باشد که براساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرس اندازه‌گیری می‌شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرسی، همگن کردن حق الزحمه شرکت‌های بزرگ و کوچک می‌باشد. این روش در همه پژوهش‌های قبلی استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت *i* در سال *t* تعریف شده است.

نرخ بازده دارایی ها (ROA): بیانگر بازده دارایی های شرکت t در سال t است و از نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ها بدست می آید.

زیان دهی (LOSS): در صورتی که شرکت زیان ده باشد؛ معادل یک و در غیر این صورت معادل صفر در نظر گرفته می شود. این متغیر برای کنترل شرکت هایی که زیان اعلام کرده اند در نظر گرفته شده است.

نسبت آنی (QUICK): نسبت دارایی های جاری منهای موجودی ها تقسیم بر بدهی های جاری شرکت t در سال t تعریف شده است.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
<i>LNAFEE</i>	۶/۴۸۳	۶/۶۲۶	۸/۴۵۶	۳/۹۴۴	۳/۶۷۸
<i>RPE</i>	۰/۱۵۱	۰/۱۲۷	۰/۶۵۸	۰/۰۰۰۸	۰/۱۲۴
<i>SIZE</i>	۱۳/۸۸۶	۱۳/۷۳۶	۱۸/۴۵۴	۱۰/۸۱۵	۱/۳۲۷
<i>ROA</i>	۰/۱۴۱	۰/۱۰۷	۰/۶۳۴	-۰/۲۸۴	۰/۱۴۳
<i>LOSS</i>	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳
<i>QUICK</i>	۰/۸۹۷	۰/۷۸۲	۵/۸۳۰	۰/۰۸۳	۰/۶۳۹

* منبع: یافته های پژوهش

نگاره (۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال میانگین حق الزحمه حسابرس (*LNAFEE*) ۶/۴۸۳ و میانه آن برابر با ۶/۶۲۶ است که نزدیکی این دو مقدار نشان دهنده تقارن نسبی توزیع این متغیر است. همچنین میانگین متغیر معاملات با اشخاص وابسته (*RPE*) به عنوان یکی از متغیرهای مستقل پژوهش، برابر با ۰/۱۵۱ و میانه آن نیز برابر با ۰/۱۲۷ است که نزدیکی این دو مقدار نشان دهنده تقارن نسبی توزیع این متغیر است. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر حق الزحمه حسابرسی (*LNAFEE*) برابر ۳/۶۷۸ و برای متغیر بازده دارایی ها (*ROA*) برابر با ۰/۱۴۳ است که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش، *LNAFEE* و *ROA* به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده های پرت بر نتایج پژوهش، کلیه داده های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده اند.

آمار استنباطی

قبل از برازش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای الگوهای مزبور انجام شود. نتایج حاصل آزمون F لیمر برای الگوهای مزبور در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۳/۳۷۱	۰/۰۰۵۴	روش اثرات ثابت

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره و سطح معناداری آزمون F لیمر برای تمامی الگوها، لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره (۴) نشان داده شده است.

نگاره ۴: نتایج آزمون هاسمن برای الگوی پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۱۶/۸۵۹	۰/۰۰۴۸	روش اثرات ثابت

* منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در نگاره (۴) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای الگوی (۱) روش ارجح است؛ بنابراین، به تخمین الگوی پژوهش با توجه به روش ارجح پرداخته شد. در ادامه نتایج تخمین الگوی پژوهش در نگاره (۵) با روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت نشان داده شده است.

نگاره ۵: نتایج حاصل از برآورد الگوی (۱) پژوهش

$LNAFEE = \beta_0 + \beta_1 RPT + \beta_2 SIZE + \beta_3 ROA + \beta_4 LOSS + \beta_5 QUICK + \varepsilon \quad (1)$			
متغیر	ضریب متغیر	آماره T	سطح خطا
α_0	۱۱/۹۳۳	۱/۴۲۸	۰/۸۶۷
RPE	۰/۷۷۴	۲/۶۹۴	۰/۰۰۸۴
SIZE	۰/۰۸۶	۳/۱۱۷	۰/۰۰۲
ROA	-۰/۵۴۱	-۲/۰۵۲	۰/۰۴۰
LOSS	۰/۲۹۳	۲/۱۸۹	۰/۰۲۹۱
QUICK	۰/۰۵۹۲	۱/۰۶۳	۰/۲۸۸
ضریب تعیین	۰/۱۱۲		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹۰		
آماره دورین-واتسون	۱/۵۰۰۳		
آماره F	۵/۱۶۶		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰		

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره (۵) و با توجه آماره F بدست آمده (۵/۱۶۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. هم‌چنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده

بدست آمده برای الگو که برابر ۹ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر $1/5003$ است، می‌توان ادعا کرد که خود همبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۵) از برآورد الگوی (۱)، ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته برابر $0/744$ است و با توجه به سطح خطا آن که برابر با $0/084$ که کمتر از سطح معناداری $0/05$ است؛ بنابراین، ضریب مثبت متغیر نشان دهنده آن است که افزایش معاملات با اشخاص وابسته موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با مبانی نظری و با پژوهش حبیب و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. بدین منظور یک فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطابق با مبانی نظری ارتباط مثبتی بین بعضی از مفاهیم ریسک و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. بنابراین، حسابرسان در تعیین حق الزحمه حسابرسی، مشخصه‌های ریسک صاحبکار خود را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق الزحمه‌های بالاتر جبران می‌کنند. معاملات با اشخاص وابسته نیز به عنوان یکی از عوامل ریسک صاحبکار، ریسک حسابرسی را افزایش و حسابرسان از طریق افزایش حق الزحمه حسابرسی تلاش می‌کنند این ریسک را پوشش دهند. به عبارت دیگر، حسابرسان به دلیل تلاش‌های بیشتر برای کاهش ریسک مرتبط معاملات با اشخاص وابسته، حق الزحمه حسابرسی بیشتری طلب می‌کنند در نتیجه، انتظار بر این بود که بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ای مثبت وجود داشته باشد. که نتایج فرضیه اول موید همین مطلب و مطابق با یافته‌های حبیب و همکاران (۲۰۱۵) است.

این پژوهش محدودیت‌هایی مانند عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم و همچنین عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات بوده که ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. یافته‌های این پژوهش، ادبیات حوزه مرتبط با ریسک حسابرسی به عنوان عوامل تعیین‌کننده قیمت‌گذاری حسابرسی و عامل ریسک مهم مربوط به حسابرسی مدیرعامل صاحبکار (نگهداشت وجه نقد) که موسسات حسابرسی در ارزیابی ریسک آن‌ها واکنش نشان می‌دهند را بسط می‌دهد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر اثرگذاری نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی، پیشنهاد می‌شود حسابرسان این نکته را در تصمیم‌گیری‌های خود برای حسابرسی واحدهای تجاری مدنظر قرار دهند. افزون بر این، با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی
- بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی.
- بررسی تأثیر پاداش هیئت مدیره بر حق الزحمه حسابرسی.

۱. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با *Eviews* در تحقیقات حسابداری مالی، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه.
۲. حمیدی، الهام، شعری، صابر. (۱۳۹۱). «شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته». پژوهش‌های تجربی حسابداری، ش ۲، ۴۹-۶۴.
۳. خدادادی، ولی؛ قربانی، رامین و خوانساری، نیکو (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۵۷-۷۲.
۴. دارابی، رویا، داوود خانی، محمود (۱۳۹۴). تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ش ۲۷، ۱۵۲ - ۱۳۱.
۵. دیانتی دیلمی، زهرا، بیاتی، مرتضی (۱۳۹۴). رابطه رقابت بازار محصول و حق الزحمه ی حسابرس مستقل، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ش ۲۷، صص ۳۸ - ۲۳.
۶. رجیبی، روح اله، محمدی‌خوشوئی، حمزه. (۱۳۸۷). «هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، ش ۳، صص ۵۲ - ۳۳.
۷. سرلک، نرگس، اکبری، مینا. (۱۳۹۲). «رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۰، ش ۴، صص ۹۲-۷۷.
۸. کامیابی، یحیی، احسان بوژمهرانی، فاضل نادری پلنگی (۱۳۹۳). بررسی خطای پیش بینی سود، معاملات با اشخاص وابسته و نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۳، صص ۱۵۱ - ۱۳۳.
9. Aharony, J., Wang, J, Yuan, H. (2009). Tunneling as an incentive for earnings management during the IPO process in China. *Journal of Accounting and Public Policy*(forthcoming).
10. Cheung, Y., Jing, L, Lu, T, Rau, P. R, Stouratis A. (2008). Tunnelling and ProppingUp: An Analysis of Related Party Transactions by Chinese Listed Companies. Social Science Research Network, www.ssrn.com.
11. Djankov, S., R. La Porta, F. Lopez-de-Silanes, and A Shleifer. (2008). The law and economics of self-dealing. *Journal of Financial Economics*, 88(3), 430-465.
12. Donohoe, M. & Knechel, R. (2014). Does corporate tax aggressiveness influence audit pricing? *Contemporary Accounting Research*, 31 (1): 284-308.
13. Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2): 148-165.
14. Gordon, E., Henry, E., Palia, D., (2004). Related Party Transactions: Associations with Corporate Governance and Firm Value, Rutgers University.
15. Habib, A., Jiang, H, Zhou, D. (2015). Related party transactions and audit fees: Evidence from China. *Journal of International Accounting Research*, 14 (1), 59-83.
16. Hay, D. W., Knechel, R. & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23 (1): 141-191.
17. Kholback, Mark j .and Mayhew,brianw. (2014). Are Related Party Transaction Red Flags? Available at [ssrn:http://ssrn.com/abstract=2427439](http://ssrn.com/abstract=2427439).
18. Kim, J. H., Woo, Y. S., (2008). "The Effect of Transactions to the Related-Party on the Earnings Management and the Earnings Response Coefficient." *Korean Accounting Review* 33 (3): 25-59.

19. Kohlbeck, M., Mayhew, B. (2004). Agency Costs, Contracting, and Related Party Transactions. University of Wisconsin-Madison.
20. Kohlbeck, M., Mayhew, B.W. (2010). Valuation of Firms that Disclose Related Party Transactions, *Journal of Accounting Public Policy* 29, PP: 115-137.
21. Krishnan, G.V., Pevzner, M. & Sengupta, P. (2012). How do auditors view managers' voluntary disclosure strategy? The effect of earnings guidance on audit fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (5): 492-515.
22. Kuan, L, Tower, G., Rusmin, R., J-L.W. Mitchell Van der Zahn.(2010).Related Party Transactions and Earnings Management. *Jurnal Akuntansi & Auditing Indonesia*, 14 (2):93–115.
23. Nekhili, M., Moêz, C. (2011). Related parties Transactions and Firm's Market Value: The French, Case University of Jendouba, Jendouba, Tunisia.
24. Nikkinen, J., Petri, S. (2005). Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk .*Advances in International Accounting*, 19(2), 141- 151.
25. Simunic, D,(9990), "The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence" , *Journal of Accounting Research*, Vol. 18 No.1, pp. 161-190.

Impact of Related Party Transactions on Audit Fees of listed Companies in Tehran Stock Exchange

Abstract

The aim of this study is to investigate the effect of Related Party Transactions on Audit Fees of listed companies in Tehran Stock Exchange. For this purpose one hypotheses are developed and data on the 70 companies in Tehran Stock Exchange for the period of 1389 to 1394 were analyzed. This regression model using panel data with fixed effects approach, reviews and tests. The results showed that the concentration party transactions has significant positive impact audit fees.

Key words: Related Party Transactions and audit fees.